درس ۱۲: کنایه

مفاهیم آموزشی

✪ کنایه گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت (در کنار هم بودن واژگان) استوار است.

تعریف کنایه از دو دیدگاه
- لغوی: پوشیده سخن گفتن
- ادبی: واژه یا عبارتی که معنای ظاهری و نزدیک آن موردنظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدّنظر است. (در واقع مفهوم مجازی مورد نظر است.)

مثال ۱: او دستش را پیش همه دراز می‌کند. ← مفهوم کنایی: او در برابر همه اظهار نیاز و گدایی می‌کند.

مثال ۲: فلانی در خانه‌اش باز است. ← مفهوم کنایی: بخشندگی و مهمان‌نوازی است. گرچه معنای ظاهری سخن نیز به ذهن خواننده می‌رسد؛ اما مفهوم اصلی و کنایی همان بخشندگی و مهمان‌نوازی شخص است نه باز بودن در خانه که البتّه این را هم از روی بافت سخن، عناصر و اجزای کلام می‌توان دریافت.

نکته: در واقع معنای ظاهری همانند پلی است که ما را به معنای نهایی کنایه می‌رساند، همانند مثال بالا. پس «معنا» در کنایه دو گونه است:

معنا در کنایه
- ۱- معنای قاموسی و واژگانی عبارت؛ در مثال بالا: در خانه باز است.
- ۲- معنای مجازی؛ در مثال بالا: بخشندگی و مهمان‌نوازی

✪ **تفاوت کنایه با مجاز**
- ۱- در مجاز: فقط یکی از دو سوی معنی درست است.
  - **مثال:** به یاد روی شیرین بیت می‌گفت.
  - بیت: مجاز از شعر
- ۲- در کنایه: هر دو وجه کلام می‌تواند درست باشد؛ ولی معنای دور اراده شده است.
  - **مثال:** پیراهن دریدن
    - معنای قاموسی و واژگانی: پاره کردن پیراهن
    - معنای مجازی: بی‌تابی کردن

✪ **تفاوت استعاره و کنایه**
- ۱- استعاره در «واژه» صورت می‌گیرد.
  - **مثال:** مرا در خانه سروی هست کاندر سایهٔ قدّش/ فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم
  - سرو استعاره از یار خوش‌قامت است.
- ۲- کنایه: در ساختار «کلام» (جمله) روی می‌دهد.
  - **مثال ۱:** گَرَم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین‌دل / گل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از گل
  - «گُل از خار برآوردن»، «خار از پای درآوردن» و «پای از گِل برآوردن» هر سه کنایه از نجات‌دادن و یاری‌رساندن هستند.
  - **مثال ۲:** یکهو می‌بینی آفتاب تیغ کشید و میدان روشن شد.
  - «تیغ کشیدن آفتاب» کنایه از «طلوع خورشید» است.

خودارزیابی ۹۷

۱- ✪ کنایه‌ها را در ... .

الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد. گلستان سعدی

جهیدن ← ترک محل، فرار — لنگر نهادن ← ماندن، پابرجا بودن

ب) ای پای به گل فرو شده، ای خستهٔ تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد درِ ما گردید. کشف‌الاسرار میبدی

پای در گل فرو شدن ← گرفتار شدن، درماندگی — گرد چیزی گشتن ← به کسی متوسّل شدن، سوی کسی آمدن

پ) دل‌ها اگرچه صاف، ولی از هراس سنگ — آیینه بود میل تماشا شدن نداشت سلمان هراتی

صاف بودن دل ← بی‌کینه بودن، بی‌بغض بودن — آیینه بودن دل ← صفا و پاکی دل

میل تماشا شدن نداشتن ← عدم تمایل به اظهار وجود و عقیده

ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک — بگفت آنگه که باشم خفته در خاک نظامی

دل از مهر پاک کردن ← فراموش کردن معشوق — خفتن در خاک ← مردن

ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است — زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر حافظ

عنان گسسته (اسب) دواندن ← با شتاب رفتن

ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد / که عیب گیرد و گوید چرا به فرق نپویی — سعدی
پای به سنگ برآمدن ← پیش آمدن حادثه یا خطری / با فرق (سر) پوییدن (رفتن) ← با شوق و اشتیاق رفتن

۲- مفهوم کنایی عبارت‌های ... :

الف) چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت — فردوسی
گهی پشت بر زین ← پیروزی / گهی زین به پشت ← شکست، ناکامی
مفهوم کلی: جهان فراز و نشیب دارد.

ب) از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جو ز جو — مولوی
گندم از گندم بروید جو ز جو ← نتیجهٔ هر عملی متناسب با خود آن عمل است، کار خوب نتیجهٔ خوب و کار بد نتیجهٔ بد دارد.

پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا / تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من — حافظ
نقش بر آب زدن ← کار بیهوده انجام دادن

ت) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ / تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟ — کلیم همدانی
سرکشیدن ← روی گرداندن، نافرمانی، بی‌اعتنایی و بی‌توجّهی

۳- ✪ در نمونه‌های زیر ... .

الف) ای که پنجاه رفت و در خوابی / مگر این پنج روز دریابی — سعدی
پنجاه رفتن ← به میانسالی رسیدن / این پنج روز را دریافتن ← مابقی عمر خود را غنیمت دانستن
در خواب بودن ← غافل از گذر عمر بودن

ب) بس بگردید و بگردد روزگار / دل به دنیا در نبندد هوشیار — سعدی
دل بستن ← علاقه‌مندی، وابستگی

پ) از در درآمدی و من از خود به در شدم / گویی کزین جهان به جهان دگر شدم — سعدی
از خود به در شدن ← از خود بی‌خود شدن / کزین جهان به جهان دگر شدم ← مردن

ت) **الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است.** — حسن‌زاده آملی
پیشانی نهادن بر خاک ← سجده کردن، اظهار بندگی کردن
دل از خاک برداشتن ← قطع علاقه از دنیا، پشت‌پا زدن به دنیا و وابستگی‌هایش

ث) در سلطان و شه را روزها بیهوده کوبیدن، / دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سرامشب — محوی
در کسی را کوبیدن ← متوسل شدن، یاری خواستن و طلب کمک کردن
خاک بر سر کردن ← چاره‌جویی برای حلّ مشکل در سخت‌ترین حالت

۴- ویژگی‌های زبانی و ... .

بیت (الف): ویژگی‌های زبانی ← زبان شعر ساده است و در آن الفاظ عربی مشاهده نمی‌شود.
ویژگی‌های فکری ← واقع‌گرایی با توجّه به دنیای بیرون، توجّه به نامرادی‌ها و فراز و نشیب زمانه و هشدار برای مواجهه با مشکلات
از بارزترین ویژگی‌های فکری آن است.

بیت (ب): ویژگی زبانی ← زبان ساده است و سبک شعری مولوی، سبک عراقی است؛ ولی این بیت به مختصات زبانی سبک خراسانی نزدیک است. به کارگیری جملات کوتاه و امری در راستای القای مضامین تعلیمی از دیگر ویژگی‌های زبانی شعر است.
ویژگی فکری ← واقع‌گرایی با توجّه به دنیای بیرون و توجّه به نتیجهٔ اعمال و مسائل اخروی بارزترین ویژگی فکری بیت است.

بیت (پ): ویژگی زبانی ← زبان شعر کمی دشوارتر از زبان شعر سبک خراسانی است. سبک شعری حافظ، سبک عراقی است.
ویژگی فکری ← فراق و غم‌گرایی

بیت (ت): ویژگی زبانی ← کلیم همدانی از شعرای سبک هندی است. زبان شعرش در این بیت ساده است. به کارگیری لغات و اصطلاحات مردم عامّه در راستای خلق معانی بدیع از دیگر ویژگی‌های زبانی این شعر است.
ویژگی فکری ← درون‌گرایی و بیان احوال شخصی، شکایت از نامهربانی‌های معشوق

۵- وزن بیت زیر ... :

زنده به بوی توام، بوی ز من وا مگیر / تشنهٔ روی توام، باز مدار از من آب — عراقی
وزن بیت: مفتعلن فاعلن / مفتعلن فاعلن (همسان دولختی است.)

ارزشیابی مستمر

۱ درست یا نادرست بودن عبارات زیر را مشخّص کنید. (۰/۵ نمره)

الف) کنایه در لغت، یعنی «آشکار سخن گفتن». ☐ درست ☐ نادرست

ب) «رخت کشیدن از جایی» کنایه از «کوچ کردن» است. ☐ درست ☐ نادرست

@KonkurVIPBook

۲ ✪ مفهوم کنایی «خشت زدن» در عبارت زیر چیست؟ (۰/۲۵)
شعر هم می‌گفت، زیاد هم می‌گفت، امّا به قول نظامی «خشت می‌زد.»
الف) پرحرفی ب) ناتوانی پ) سازندگی ت) ناسازگاری

۳ مفهوم کنایی «دندان به دندان خاییدن» چیست؟ (۰/۲۵)
الف) خصومت ورزیدن ب) ترسیدن پ) زبون شدن ت) خشمگین شدن

۴ ✪ در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... «کنایه» وجود دارد. (۰/۲۵)
الف) پشت دستم را داغ کردم. ب) کاسه و کوزه یکی شده بودیم.
پ) بی‌اختیار دستش را دراز کرد. ت) آب به دهانم خشک شده بود.

۵ ✪ در کدام‌یک از بیت‌های زیر «کنایه» به کار نرفته است؟ (۰/۲۵)
الف) با چنین نام و چنین دل که تو داری نه عجب / گر جهان گردد یک رویه تو را زیر نگین
ب) برفتند گردان همه شاد و مست / گرفته یکی دست دیگر به دست
پ) از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم / بانگ از جرس برخاست وای من خموشم
ت) تا کمال علم او ظاهر شود / این همه اسرار بر صحرا نهاد

۶ جاهای خالی را با واژگان مناسب، پر کنید. (۰/۵)
الف) کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد ..... استوار است.
ب) استعاره در واژه و کنایه در ..... روی می‌دهد.

۷ عبارات و مفاهیم کنایی مناسب را به هم وصل کنید. (در ستون «ب» یک مورد اضافه است.) (۱/۵)

«الف»	«ب»
سرکشی	• پرحرفی
ده روز	• عارف و صوفی بودن
تنگ‌دستی	• مردن
خرقه بر تن پوشیدن	• نافرمانی و عصیان
سرد گشتن	• فقر و نداری
گرم شدن چانه	• عاشق شدن
	• مدّت کوتاه و زودگذر

۸ در عبارات زیر کنایه‌ها را بیابید. (۱)
الف) چو نامردم آواز مردم شنید / میان خطر جای بودن ندید
ب) هر که دل پیش دلبری دارد / ریش در دست دیگری دارد
پ) سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید / تبارک‌الله از این فتنه‌ها که در سرِ ماست

۹ مفهوم کنایه‌ها را بنویسید. (۲) (تهران ـ نمونه دولتی ولایت ـ خرداد ۹۷)
الف) ✪ چو نامردم آواز مردم شنید / میان خطر جای بودن ندید
ب) نرفتم به محرومی از هیچ کوی / چرا از در حق شوم زردروی

۱۰ ✪ در ابیات زیر کنایه را بیابید و مفهوم آن را بنویسید. (۱/۵) (تربت جام ـ نمونه دولتی عفاف ـ خرداد ۹۷)
الف) بزرگان همه خیمه بگذاشتند / همه دست بر آسمان داشتند
ب) چون مرا آفت ز گفتن می‌رسد / بی‌زبانی بر زبان خواهم گزید

۱ الف) نادرست (۰/۲۵)، ب) درست (۰/۲۵) ۲ گزینهٔ «الف» (۰/۲۵) ۳ گزینهٔ «ت» (۰/۲۵) ۴ گزینهٔ «پ»؛ (۰/۲۵) دیگر گزینه‌ها ← الف) پند گرفتن و متنبّه شدن، ب) دوست و صمیمی شدن، ت) ترسیدن یا تعجّب کردن ۵ گزینهٔ «ب»؛ (۰/۲۵) دیگر گزینه‌ها ← الف) زیر نگین بودن: تحت تسلّط بودن، پ) به گوش آمدن بانگ رحیل و بانگ از جرس برخاستن هر دو به معنی: آمادهٔ حرکت شدن کاروان، ت) بر صحرا نهادن: آشکار شدن ۶ الف) اصل مجاورت (۰/۲۵)، ب) ساختار کلام (۰/۲۵) ۷ سرکشی ← نافرمانی و عصیان (۰/۲۵)، ده روز ← مدّت کوتاه و زودگذر (۰/۲۵)، تنگ‌دستی ← فقر و نداری (۰/۲۵)، خرقه بر تن پوشیدن ← عارف و صوفی بودن (۰/۲۵)، سرد گشتن ← مردن (۰/۲۵) ، گرم شدن چانه ← پرحرفی (۰/۲۵) ۸ کنایه‌ها: الف) جای بودن ندید (۰/۲۵) ، ب) دل پیش کسی داشتن، (۰/۲۵) ریش در دست کسی داشتن (۰/۲۵)، پ) سر فرو نیامدن (۰/۲۵) ۹ الف) جای بودن ندیدن: فرار کردن (۱)، ب) زرد روی شدن: شرمنده و خجالت زده شدن (۱) ۱۰ الف) دست بر آسمان داشتن: کنایه از دعا کردن (۰/۷۵)، ب) بی‌زبانی گزیدن: کنایه از سکوت اختیار کردن (۰/۷۵)

@KonkurVIPBook

۱- ✪ دو غزل زیر ... :

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست / هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم / که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت / به راستان که بمیرم برآستان ای دوست
مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش / اگر مراد تو قتل است، وارهان ای دوست
که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد / به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست — سعدی

* * *

ای دفتر حسن تو را فهرست، خط و خال‌ها / تفصیل‌ها پنهان شده در پردهٔ اجمال‌ها
آتش‌فروز قهر تو، آیینه‌دار لطف تو / هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال‌ها
پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما / آیینه کی برهم خورد از زشتی تمثال‌ها
با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، ازبی کسی / شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای / هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربال‌ها
هرچند صائب، می‌روم سامان نومیدی کنم / زلفش به دستم می‌دهد سررشتهٔ آمال‌ها — صائب

الف) وزن هر دو غزل را بیابید.

وزن غزل اول : مفاعلن - فعلاتن - مفاعلن - فعلن

وزن غزل دوم: مستفعلن - مستفعلن - مستفعلن - مستفعلن

ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

	قلمرو زبانی	قلمرو فکری
غزل اول	- کاربرد قدیم: «یاد می‌نکند» - کاربرد کلمات عربی: غایت، عزیز، الفت، رضا - جابه‌جایی ضمیر: هزار جان عزیزت فدای جان - حذف به قرینهٔ معنوی: به راستان (قسم می‌خورم)	- ستایش عشق (غزل وحدت موضوع دارد.) - شرح فراق و غم‌گرایی - توجّه به رضای معشوق
غزل دوم	- کاربرد واژگان ساده: غربال و سوراخ و ... - بهره‌گیری از اصطلاحات عامیانه: یک کوچه راه، ریشه ریشه شدن دامن - استفاده از واژگان متضاد: تفصیل و اجمال - مغرب و مشرق - «را»ی فکّ اضافه: مصراع اول	- معنی‌گرایی (ارتباط عمودی ابیات ضعیف‌تراست.) - توجّه به عشق - تقابل عقل و عشق و برتری عشق (بیت چهارم) - اعتقاد به تأثیر ستارگان در سرنوشت انسان (بیت پنجم)

پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

غزل اول	غزل دوم
- تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): مرغ دل - تناسب: دام، آشیان، مرغ - کنایه: در گشودن، کنایه از توجّه کردن و پذیرفتن - آوردن تخلّص: بیت آخر - جناس ناهمسان: راستان و آستان - جان و جهان	- تضاد: قهر و لطف، مغرب و مشرق، ادبار و اقبال، شب و روز - اسلوب معادله: بیت سوم - تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): دفتر حسن، مغرب ادبار، مشرق اقبال، خار استدلال - استعاره: پیشانی عفو، غربال - تشخیص: با عقل همسفر شدن - آوردن تخلّص: بیت آخر

۲- در ابیات و ... :

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی — قیصر امین‌پور

کشتی عشق ← عشق: مشبّه / کشتی: مشبّه‌به

ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد. — مرصاد العباد

ابر کرم ← کرم: مشبّه / ابر: مشبّه‌به — باران محبت ← محبت: مشبّه / باران: مشبّه‌به

پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم. — صحیفه سجادیه

ظلمات جهل و ضلال ← جهل و ضلال: مشبّه / ظلمات: مشبّه‌به — چراغ هدایت: هدایت: مشبّه / چراغ: مشبّه‌به

@KonkurVIPBook

ت) مه طاسک گردن سمندت / شب طره پرچم سیاهت
۱ ۲
چرخ ار چه رفیع، خاک پایت / عقل ار چه بزرگ طفل راهت
۳ ۴
جمال الدّین عبدالرزّاق اصفهانی

۱- مه: مشبّه / طاسک گردن سمندت: مشبّه‌به
۲- شب: مشبّه / طرهٔ پرچم سیاهت: مشبّه‌به
۳- چرخ: مشبّه/ خاک پایت: مشبّه‌به
۴- عقل: مشبّه / طفل راهت: مشبّه‌به

ث) دریای شورانگیز چشمان تو زیباست / آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست — حسین منزوی

دریای شورانگیز چشمان تو ← چشمانت: مشبّه / دریای شورانگیز: مشبّه‌به

۳- مجاز را در ... :

الف) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود — حافظ
مجاز از موجودات عالم — مجاز از چشم

ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را / چندان امان نداد که شب را سحر کند — شفائی اصفهانی
مجاز از کشته شدن

پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست / وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست — سعدی
مجاز از قدرت — مجاز از قدرت

۴- ✪ در ابیات و ... ؟

الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد / بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد — حافظ
۱ ۲ ۳ ۴

۱- استعاره از معشوق (مشبّه‌به)
۲- استعاره از صورت (مشبّه‌به)
۳- استعاره از زلف (مشبّه‌به)
۴- استعاره از لب(مشبّه‌به)

ب) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی — سنایی
۱ ۲ ۳

۱- استعاره از نوع تشخیص (مشبّه)
۲- استعاره از دنیا (مشبّه‌به)
۳- استعاره از دنیا (مشبّه‌به)

۵- در ابیات زیر ... .

الف) به تیغم گر کُشد، دستش نگیرم / و گر تیرم زند منت پذیرم — حافظ
کنایه از مانع نشدن

ب) یکی نغزبازی کند روزگار / که بنشاندت پیش آموزگار — فردوسی
کنایه از تعلیم دادن، پند دادن

۶- ✪ آرایه‌های تشبیه، مجاز ... :

الف) داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو / کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند — محمدتقی بهار
دل لاله، برِ سرو : اضافهٔ استعاری (استعاره از نوع تشخیص)
لاله‌عذاران: استعاره از زیبارویان
نیلی است بر سرو: کنایه از اینکه سرو رنج کشیده است.
باغ جهان: تشبیه فشرده
داغ است دل لاله: کنایه از غم داشتن

ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر / او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم — حسین منزوی
دَم زدن: کنایه از سخن‌گفتن
با آسمان مفاخره کردیم و آسمان دم زد: استعاره مکنیه (از نوع تشخیص)

پ) این نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باقی است آواز باد و باران — شفیعی کدکنی
نغمهٔ محبت: تشبیه فشرده
مصراع دوّم: کنایه از جاودانگی (تا دنیا هست.)

ت) الهی، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل، العجل. — آیت‌اله حسن‌زاده آملی
عقل گوید، عشق گوید: استعاره مکنیه (از نوع تشخیص)

@KonkurVIPBook

ث) **از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست / کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر** حافظ

سرشک چو باران چکد - روزگار عمر چو برق بشد: تشبیه گسترده

ج) **روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی / ماه شب‌افروز تویی، ابر شکربار بیا** مولوی

تشبیه فشردهٔ اسنادی ← «تو» در هر دو مصراع: مشبّه - «روشنی روز»، «شادی غم‌سوز»، «ماه شب‌افروز»: مشبّه‌به

ابر شکربار: استعاره از معشوق

چ) **چون در این آیات تأمّل کنند، بهار توحید از دل‌های ایشان سر برزند. درخت معرفت به بار آید، چشمهٔ حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد.** کشف‌الاسرار میبدی

تشبیه فشرده (اضافهٔ تشبیهی): بهار توحید - درخت معرفت - چشمهٔ حکمت - یاسمین شوق

ح) **دلم شکستی و رفتی، خلاف شرط مودّت / به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی** سعدی

دل شکستن: کنایه از ناراحت کردن / آبگینه: استعاره مصرّحه از دل

خ) **تو قامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته است در آغوشت آسمان / بالایی ای درخت** سیاوش کسرایی

ای درخت: استعاره (تشخیص) / آسمان خفته است: استعاره (تشخیص) / درخت، تو قامت بلند تمنّایی: تشبیه

د) **جهان را سر به سر آیینه می‌دان / به هر یک ذرّه‌ای صد مهر تابان** شیخ محمود شبستری

مهر: استعاره از خورشید / مصراع اوّل: تشبیه فشردهٔ اسنادی

ذ) **همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.** اخوان ثالث

تشبیه گسترده: همگنان خاموش به کردار صدف بر گرد مروارید.

ر) **ای گل بوستان‌سرا، از پس پرده‌ها درآ / بوی تو می‌کشد مرا، وقت سحر به بوستان** صائب

گل بوستان‌سرا: استعاره از معشوق / از پس پرده درآمدن: کنایه از جلوه‌گری

ز) **پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل / یک روز خنده کردم و عمری گریستم** شهریار

من مثل گل هستم: تشبیه گسترده / گلاب سرشک: تشبیه فشرده / یک روز خندیدن: کنایه از مدّت اندکی شاد بودن

عمری گریستن: کنایه از مدّت زیادی ناراحت و غمگین بودن

ژ) **موی سفید را فلکم رایگان نداد / این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام** رهی معیری

موی سفید: مجاز از پیری / رشته: استعاره از موی سفید / نقد جوانی: تشبیه فشرده

۷- با خوانش درست ... :

الف) **اگر تو ز آموختن سر بتابی، / نجوید سر تو همی سروری را** ناصرخسرو

اَ	گَر	تُ	زِ	آ	مو	خ	تَن	سَر	بِ	تا	بی
نَ	جو	یَد	سَ	رِ	تُ	هَ	می	سَر	وَ	ری	را

ب) **در هوایت بی‌قرارم روز و شب / سر ز پایت بر ندارم روز و شب** مولوی

دَر	هَ	وا	یَت	بی	قَ	را	رَم	رو	زُ	شَب	
سَر	زِ	پا	یَت	بَر	نَ	دا	رَم	رو	زُ	شَب	

۸- با خوانش بیت‌ها ... :

الف) **ز چشم شوخ تو جان کی توان برد / که دائم با کمان اندر کمین است** حافظ

زِ	چَش	مِ	شو	خِ	تُ	جان	کِی	تَ	وان	بُرد
کِ	دا	یِم	با	کَ	ما	نَن	دَر	کَ	می	نَست
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعی (فعولن)		

ب) **نمیرم از این پس که من زنده‌ام / که تخم سخن را پراکنده‌ام** فردوسی

نَ	می	رَم	اَ	زین	پَس	کِ	مَن	زِن	دِ	اَم
کِ	تُخ	مِ	سُ	خَن	را	پَ	را	کَن	دِ	اَم
فعولن			فعولن			فعولن			فَعَل	

@KonkurVIPBook

۹- با توجّه به ... :

نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد — چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی‌دانم — قیصر امین‌پور

نِ	می	دانَم	بِ	گو	عش	قِ	زُ	لی	خا	هم	چ	می	خا	هَد
تُ	می	دانی	پَ	ری	شا	نم	طَ	ری	قی	را	نِ	می	دا	نَم

۱۰- بیت‌های زیر را ... :

الف) باز آمدم باز آمدم، از پیش آن یار آمدم — در من نگر، در من نگر، بهر تو غمخوار آمدم — مولوی

پایه‌های آوایی															
	با	زا	مَ	دَم	با	زا	مَ	دَم	اَز	پی	شِ	آن	یا	را	مَ	دَم
	دَر	مَن	نِ	گَر	دَر	مَن	نِ	گَر	بَه	رِ	تُ	غَم	خا	را	مَ	دَم
وزن	مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			
نشانه‌های هجایی	–	U	–	–	–	U	–	–	–	U	–	–	–	U	–	–

ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده — خاک ضعیف از تو توانا شده — نظامی

پایه‌های آوایی																
	اِی	هَ	مِ	هَس	تی	زِ	تُ	پِی	دا	شُ	دِ					
	خا	کِ	ضَ	عی	فَز	تُ	تَ	وا	نا	شُ	دِ					
وزن	مفتعلن				مفتعلن				فاعلن							
نشانه‌های هجایی	–	U	U	–	–	U	U	–	–	U	–					

۱۱- پایه‌های آوایی بیت‌های ... ؟

الف) از نظرت کجا رود، ور برود تو همرهی — رفت و رها نمی‌کنی، آمد و ره نمی‌دهی — سعدی

اَز	نَ	ظَ	رَت	کُ	جا	رَ	وَد	وَر	بِ	رَ	وَد	تُ	هَم	رَ	هی
رَف	تُ	رَ	ها	نِ	می	کُ	نی	آ	مَ	دُ	رَه	نِ	می	دَ	هی

۱- وسط مصراع مکث شده است.
۲- ارکان شعر متناوب است. «مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن»
۳- تعداد هجاهای مصراع زوج است (۱۶ تاست).
وزن این بیت از تکرار یک پایهٔ همسان حاصل نشده است، بلکه یک پایه، یک در میان تکرار شده است و هر مصراع به دو قسمت تقسیم شده است که موسیقی و آهنگ پایهٔ دوم، تکرار موسیقی و آهنگ پارهٔ اول است.

ب) اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی — خرم کند چمن را، باران صبحگاهی — رهی معیری

اَش	کِ	سَ	حَر	زُ	دا	یَد	اَز	لُو	حِ	دِل	سِ	یا	هی
خُر	رَم	کُ	نَد	چَ	مَن	را	با	را	نِ	صُب	ح	گا	هی

۱- وسط مصراع درنگ و مکثی آشکار وجود دارد.
۲- پایه‌های شعر متناوب است. «مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن»
۳- تعداد هجاهای مصراع زوج است (۱۴ تاست).
۴- هر مصراع به دو پاره‌خط تقسیم شده که آهنگ و موسیقی پارهٔ دوم، تکرار آهنگ و موسیقی پارهٔ اوّل است.

۱۲- ✪ بیت‌هایی را که ... :

الف) در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است — امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است — سلمان هراتی
بر وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است و دوری نیست.

ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو — شاید که به ما بخشی، از روی کرم آنها — سنایی
بر وزن «مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن» است و دوری است.

پ) هر دم از این باغ بری می‌رسد — تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد — نظامی
بر وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است و دوری نیست.

۱۳- بیت‌های زیر را ... :

الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی‌ماند — دریاب ضعیفان را در وقت توانایی — سعدی

پایه‌های آوایی															
	دا	ئم	گُ	لِ	این	بُس	تان	شا	دا	ب	نِ	می	ما	نَد
	دَر	یا	ب	ضَ	عی	فان	را	دَر	وَق	تِ	تَ	وا	نا	یی
وزن	مفعولُ			مفاعیلن				مفعولُ			مفاعیلن			
نشانه‌های هجایی	U	–	–	U	–	–	–	U	–	–	U	–	–	–

@KonkurVIPBook

ب) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست — مولوی

پایه‌های آوایی	هَر	نَ	فَ	سا	وا	زِ	عِشق	می	رِ	سَ	دَز	چَپ	پُ	راست
	ما	بِ	فَ	لَک	می	رَ	ویم	عَز	مِ	تَ	ما	شا	کِ	راست
وزن	مفتعلن				فاعلن			مفتعلن				فاعلن		
نشانه‌های هجایی	–	U	–	–	–	U	–	–	U	–	–	–	U	–

پ) غمناک نباید بود، از طعن حسود ای دل شاید که چو وابینی، خیرتو در این باشد — حافظ

پایه‌های آوایی	غَم	نا	ک	نَ	با	یَد	بود	اَز	طَع	نِ	حَ	سو	دِی	دِل
	شا	یَد	کِ	چُ	وا	بی	نی	خِی	رِ	تُ	دَ	رین	با	شد
وزن	مفعول			مفاعیلن				مفعول			مفاعیلن			
نشانه‌های هجایی	–	U	–	U	–	–	–	–	U	–	–	U	–	–

جدول بودجه‌بندی آزمون‌های پایان نوبت اوّل و دوم

ردیف	موضوع	نوبت اول و دوم
۱	تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی	۴
۲	موسیقی شعر	۶
۳	زیبایی‌شناسی	۶
۴	نقد و تحلیل نظم و نثر	۴
	جمع کل	۲۰

سؤال های امتحانی

آزمون: دی ماه (پایان نوبت اوّل) مدّت: ..... تاریخ: ...../...../.....

الف) تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی (۴ نمره)

۱ جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. ۰/۵

الف) کاربرد «تخلّص» در پایان اشعار از ویژگی‌های سبک ..... است. (گیلان - مدرسهٔ فرزانگان - ۹۹)

ب) ....., حماسه‌ای عرفانی است که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد. (تهران - مدرسهٔ فرهنگ)

۲ درست یا نادرست بودن عبارت‌های زیر را مشخّص کنید. ۰/۷۵

الف) ذهن‌گرایی و توجّه به دنیای درون از ویژگی‌های فکری سبک خراسانی است. (خوزستان - نمونه‌دولتی نخبگان - ۹۹)

☐ درست ☐ نادرست

ب) فخرالدّین عراقی، در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است. (زنجان - مدرسهٔ شاهد فاطمیه - ۹۹)

☐ درست ☐ نادرست

پ) در قرن هفتم، تاریخ‌نویسی به نثر ساده رواج یافت. (سمنان - مدرسهٔ شاهد - ۹۹)

☐ درست ☐ نادرست

۳ هر کدام از آثار ستون «الف» را به شاعر یا نویسندهٔ آن در ستون «ب» وصل کنید. (در ستون «الف» یک مورد اضافه است.) (زنجان - مدرسهٔ شاهد فاطمیه - ۹۹) ۰/۵

«الف»	«ب»
• جامع التواریخ	• حمدالله مستوفی
• تاریخ گزیده	• سلمان ساوجی
• جمشید و خورشید	

۴ مقایسهٔ ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی را در جدول مقابل کامل کنید. (تهران - مدرسهٔ فرزانگان - ۹۸) ۰/۷۵

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	
	آسمانی بودن معشوق
وصال	

۵ چرا ضعف و انحطاط فکری قرن‌های هفتم، هشتم و نهم را فراگرفت؟ (مازندران - نمونه‌دولتی امام (ره) - ۹۹) ۰/۷۵

@KonkurVIPBook